



متن ادبی

شاگرد و استاد کوزه‌گری

در زمان‌های قدیم کوزه‌گری بود که شاگرد با استعدادی داشت و به شدت به او رشک می‌برد و حسادت می‌کرد. شاگرد یک روز که از کار در کارگاه استادش، مجال فراغت یافت، به ساختن کوزه‌های سفالی مشغول شد. پس از آنکه کوزه شکل و شمایل گرفت، به آن رنگ و لعاب و جلا داد و با طرح‌های زیبای گل و گیاه و ترمه در آراستگی‌اش سنگ تمام گذاشت. استاد وقتی به این موضوع پی‌برد، بسیار خشمگین شد.



یک شب هنگامی که شاگرد سر بر بالین گذاشته و به خواب عمیقی فرو رفته بود، استاد آهسته و پنهانی کوزه را رُبود و به نزد حاکم برد و ادعا کرد که خودش آن را ساخته و قصد فروشش را دارد. حاکم که با دیدن کوزه، شیفته‌ی طرح و نقشش شده بود، پیشنهاد داد که حاضر است آن را با صد سکه‌ی طلا تعویض کند. استاد با شنیدن نام سکه‌ی طلا چشمانش برق زد. به ساعت نکشیده بود که معامله را به اتمام رساند و با جیب پر به کارگاهش برگشت. شاگرد بیچاره که از همه جا بی‌خبر بود، داشت کارگاه را زیر و رو می‌کرد. از استادش سراغ کوزه را گرفت ولی نتیجه‌ای نداشت و در آخر دست از پا درازتر سر کارش برگشت. دو روز گذشت. شاگرد همچنان در حال جست‌وجوی کوزه‌ی گمشده در خیابان‌های اطراف بود و استاد هم با دُمش گردو می‌شکست که ناگهان سر و کله‌ی مأمور حاکم پیدا شد و گفت: «کوزه‌ی گران‌مایه‌ای

که به حاکم فروختی شکسته است. او راغب است که کوزه‌ای مثل همان را بسازی و بیاوری و دوباره پاداشت را بگیری.»

کوزه‌گر رنگ از چهره باخت. از آن طرف هم حرص و طمع سکه‌های طلا به جانش افتاده بود. وقتی شاگرد غمگین و ناامید بازگشت، با ملاطفت کنارش نشست و جویای حالش شد: «من به تو مرخصی می‌دهم تا دوباره آن کوزه را بسازی.»

شاگرد از فرط خوشحالی استادش را در آغوش گرفت و سپاس‌گزاری کرد. از همان روز عزمش را جزم کرد و با محنت و مشقت، سخت مشغول دست و پنجه نرم کردن با سفال شد. هفته‌ی بعد حاصل زحماتش را نگاه می‌کرد و لذت می‌برد.

شب هنگام استاد دوباره برای کوزه دندان تیز کرده بود ولی این بار شاگرد که مشکوک شده بود، تظاهر به خواب کرده و زیرچشمی او را می‌پایید. به جای آنکه از کوره در برود و با او دست به یقه شود، خونسردی‌اش را حفظ کرد و در تاریکی دنبالش راه افتاد طوری که استاد بویی نبرد.

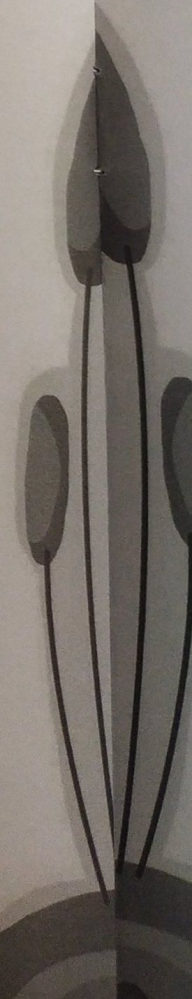
وقتی به دربار حاکم رسید، مطمئن شد که مقصد کوزه کجاست، به ستوه آمد ولی صبر کرد و به کارگاه برگشت و خوابید.

روز بعد مأموران حاکم به کارگاه یورش بردند و کوزه‌گر را مورد ضرب و شتم قرار دادند و او را کت بسته نزد حاکم بردند. استاد که روحش هم خبر نداشت که چه شده لابه و التماس می‌کرد. آخر در کشمکش با مأموران متوجه شد که عقربی درون کوزه بوده و دختر حاکم را نیش زده و دختر در بستر بیماری افتاده و در حال مرگ است.

پازل

آزمون شبیه سازی

شاگرد که همه‌ی ماجرا را تماشا کرده و دلش خنک شده بود، پادزهر عقرب را به دست حاکم رساند. طولی نکشید که دختر بهبود یافت و حاکم برای تشکر از شاگرد، برایش یک کارگاه ساخت که استاد خودش باشد و استاد قلبی هم به زندان افتاد.



؟

پرسشنامه

۱- چرا استاد به شاگردش حسادت می کرد؟

.....

۲- حاکم پیشنهاد داد کوزه را با چه چیزی مبادله کند؟

.....

۳- موقعی که مأمور حاکم به کارگاه رفت که بگوید کوزه شکسته، شاگرد کجا بود؟

.....

۴- کوزه گر در کشمکش با مأموران متوجه چه شد؟

.....

۵- دلیل مرخصی دادن استاد به شاگرد چه بود؟

.....

۶- دلیل به ستوه آمدن شاگرد از اینکه دید مقصد استادش کجاست، چه بود؟

.....

۷- منظور از «برای کوزه دندان تیز کرده بود» چیست؟

.....

۸- علت یورش مأموران حاکم چیست؟

۹- اگر شما جای شاگرد بودید چه فکر دیگری می کردید؟

۱۰- به نظر شما کاری که شاگرد در رابطه با عقرب کرد، درست بود؟ چرا؟

۱۱- هر کدام از جملات زیر مرتبط با کدام شخصیت داستان است؟ وصل کنید.

- | | |
|---------------|--|
| • (۱) استاد | • الف) کوزه را بعد از پرداخت ۱۰۰ سکه دریافت کرد. |
| • (۲) شاگرد | • ب) با طرح ترمه در آراستگی اش سنگ تمام گذاشت. |
| • (۳) حاکم | • پ) او با دُمش گردو می شکست. |
| • (۴) مأموران | • ت) کوزه گر را مورد ضرب و شتم قرار دادند. |

۱۲- وقایع را به ترتیب شماره گذاری کنید.

الف) زیر چشمی او را می پایید.

ب) از فرط خوشحالی استادش را در آغوش گرفت.

پ) استاد آهسته و پنهانی کوزه را ربود.

ت) کوزه‌ی گرانمایه‌ای که به حاکم فروختی شکسته است.

۱۳- شخصیت شاگرد را چگونه ارزیابی می کنید؟ (۲ مورد)



متن اطلاعاتی

پلیکان بزرگ‌ترین پرنده‌ی پروازی جهان

سلام! من پلیکان یا مرغ سقا هستم؛ ولی ترجیح می‌دهم همان پلیکان صدایم کنید. امروز می‌خواهم بیوگرافی و سبک زندگی‌ام را به عنوان یک پرنده‌ی آبرزی برایتان شرح دهم. می‌توانم از منقار دراز و کیسه‌ی بسیار بزرگی که به آن وصل شده (حتی سه برابر بزرگ‌تر از معده‌ام)، برای گرفتن و بلعیدن طعمه استفاده کنم. حرف از غذا شد، دهانم آب افتاد ... عمدتاً ماهی‌ها و به



ندرت قورباغه، لاک‌پشت و سخت‌پوستان به دام ما می‌افتند و اگر اوضاع خیلی وخیم باشد، ممکن است از روی ناچاری و گرسنگی سراغ مرغ دریایی هم برویم. ناگفته نماند ما قادریم یک پرنده را درسته نوش جان کنیم. کیسه‌ی زیر منقار هم که اصطلاحاً به آن خورجین می‌گوییم، برای همین موضوع و هم برای صید ماهی و نگهداری غذاها برای جوجه‌هایمان استفاده می‌شود. خورجین فواید دیگری هم دارد مثلاً روزهای گرم خودمان را خنک می‌کنیم.

یکی از تفریحات گروهی که ما با هم انجام می‌دهیم، شکار است. بال‌هایمان را روی سطح آب می‌زنیم تا ماهی‌ها مجبور شوند به قسمت‌های کم عمق بروند و دیگر کار راحت می‌شود ... قبل از اینکه ماهی را قورت دهیم، سرمان را به سمت جلو خم می‌کنیم که آب اضافی از خورجینمان خارج شود. در غیر اینصورت با هر تکه غذا باید یک خروار آب بخوریم!

پرنز

آزمون شبیه سازی

ما به انرژی زیادی نیاز داریم به همین خاطر روزانه تا حدود ۲ کیلوگرم ماهی می‌خوریم. انرژی غذا به ما کمک می‌کند که این جثه‌ی بزرگ را از روی زمین بلند کنیم و تا ارتفاع ۳۰۰۰ متری اوج بگیریم. تصور کنید با بال‌هایی که هر کدام ۳ متر هستند چه پرواز باشکوهی خواهیم داشت. ما می‌توانیم سوژه‌ی مورد نظر را به آسانی در هوا شناسایی کنیم و با دقت و سرعت به سمتش خیز برداریم و آن را شکار کنیم.

اگر بخواهم با جزئیات پر کشیدن‌مان را توضیح دهم باید بگویم:

مرحله‌ی اول: همه به جای خود و آماده‌ی حرکت می‌شویم...

مرحله‌ی دوم: بال‌هایمان را به سطح آب زده و هر دو پای خود را متحد کرده تا سرعت کافی برای بلند شدن داشته باشیم.

مرحله‌ی سوم: در این مرحله به پرواز در می‌آییم.

جالب است بدانید ما می‌توانیم تا ۲۴ ساعت بدون استراحت پرواز کنیم. سرعت سرسام آور پر زدن و پروازمان به ۵۶ کیلومتر در ساعت می‌رسد.

همچنین ما می‌توانیم به راحتی زیر آب برویم زیرا ما در زیر پوست سینه، بال‌ها و حنجره‌ی خود، کیسه‌های هوایی داریم که توسط آن‌ها زیر آب نفس می‌کشیم. قربان خدا بروم! فکر کجاها را که نکرده!

برخلاف سایر پرندگان که تخم‌هایشان را با سینه گرم نگه می‌دارند، ما با پاهایمان روی تخم‌ها می‌خوابیم تا جوجه‌های زیبا و کوچکمان را ببینیم.

پاهای ما کوتاه است و موقع راه رفتن یک تئاتر کمدی برای بقیه‌ی موجودات رقم می‌زنیم! چه می‌شود

کرد! امیدوارم همه بخندند!

خب نوبتی هم باشد، نوبت شجره نامه است. اجداد ما حدود ۴۰ میلیون سال پیش روی زمین زندگی می کردند. در کل ۸ نوع هستیم که چند گونه بیشتر معروف شده اند: پلیکان سفید بزرگ و پلیکان خاکستری.

گروه خاکستری ها طولی برابر با ۱۷۰ تا ۱۸۰ سانتی متر دارند. رنگشان سفید چرکی و بدون کاکل است. اما پرهای پشت سرشان کمی بلند و پیچدار است. آن ها با پاهای خاکستری سربی رنگشان روی شن و ماسه ها راه می روند.

ولی قد سفیدها بین ۱۴۰ تا ۱۷۵ سانتی متر است جثه هایشان بزرگ است و شاهپره های سیاه دارند و کیسه ی گلویشان هم آویزان خلق شده است. پاهای آن ها گوشتی قرمز و نارنجی دارند. سنگین ترین پلیکان از نوع سفید است که با وزنی بین ۹ تا ۱۵ کیلوگرم در صدر جدول قرار دارد.

پلیکان های قهوه ای با قد ۱ تا ۱/۵ متر و وزن ۳/۵ کیلوگرم، سبک ترین و کوچک ترین پلیکان ها به حساب می آید.

با اینکه پلیکان ها به جز قطب جنوب در همه ی قاره ها پراکنده اند، در ایران ما هم سفیدها در دریاچه ی ارومیه جمع می شوند. البته در سیستان و بلوچستان هم زاد و ولد می کنند. در کل، تمام تالاب های سراسر کشور و مناطق گرم و نزدیک رودخانه ها، محل زندگی و مقصد مهاجرت ما به شمار می روند. حتما به دیدنمان بیایید! خوشحال می شویم.

متأسفانه به خاطر آلودگی آب دریاها و اقیانوس ها به دست انسان ها و کمبود غذا کم رو به انقراض هستیم.

پرنز

آزمون شبیه سازی

ما شناگرهای ماهری هستیم، از پاهای مشبک خود برای شنا استفاده می‌کنیم. در مجموع ما زندگی اجتماعی و گروهی را دوست داریم، جمع‌های ۱۰۰ نفره تشکیل می‌دهیم و بسته به نوع مان روی درختان، در بوته‌ها یا روی زمین لانه می‌سازیم.

هر وقت از غذا سیر می‌شویم، چرت می‌زنیم، آفتاب می‌گیریم! شب‌ها هم موقع غروب سر بر شانه گذاشته و به خواب می‌رویم. این پرهای با شکوه حتی قشنگ‌تر از پر قو مانند رخت‌خواب ما را از سرما حفظ می‌کند. ما تقریباً بزرگترین پرنده‌ی پروازی جهان به‌شمار می‌رویم و کمتر مورد حمله قرار می‌گیریم. اما اگر روزی زخمی شویم و در دام سگ و گربه‌های وحشی یا پستانداران بزرگتر بیفتیم، حتماً نابود خواهیم شد!

؟

پرسشنامه

۱۴- نام دیگر پلیکان چیست؟

- (۱) پرنده‌ی بزرگ (۲) مرغ سقا (۳) مرغ بزرگ (۴) اردک

۱۵- بین هشت گونه پلیکان کدام گونه‌ها معروف‌ترند؟ نام ببرید.

- (۱) ۲ نوع پلیکان، خاکستری و آبی
(۲) ۳ نوع پلیکان، خاکستری، سفید، آبی
(۳) ۲ نوع پلیکان، خاکستری، سفید
(۴) ۳ نوع پلیکان، خاکستری، سفید، زرد

۱۶- پلیکان در کدام نقاط ایران دیده می‌شود؟

- (۱) دریاچه‌ی ارومیه، تالاب‌های سراسر کشور، سیستان و بلوچستان
(۲) دریای خزر، تالاب‌های سراسر کشور، سیستان و بلوچستان
(۳) دریای خزر، بوشهر، خلیج فارس
(۴) دریاچه‌ی ارومیه، بوشهر

۱۷- کیسه‌ی زیر منقار پلیکان برای چیست؟

.....

.....

۱۸- سنگین ترین پلیکان از چه نوعی بوده و چه وزنی دارد؟

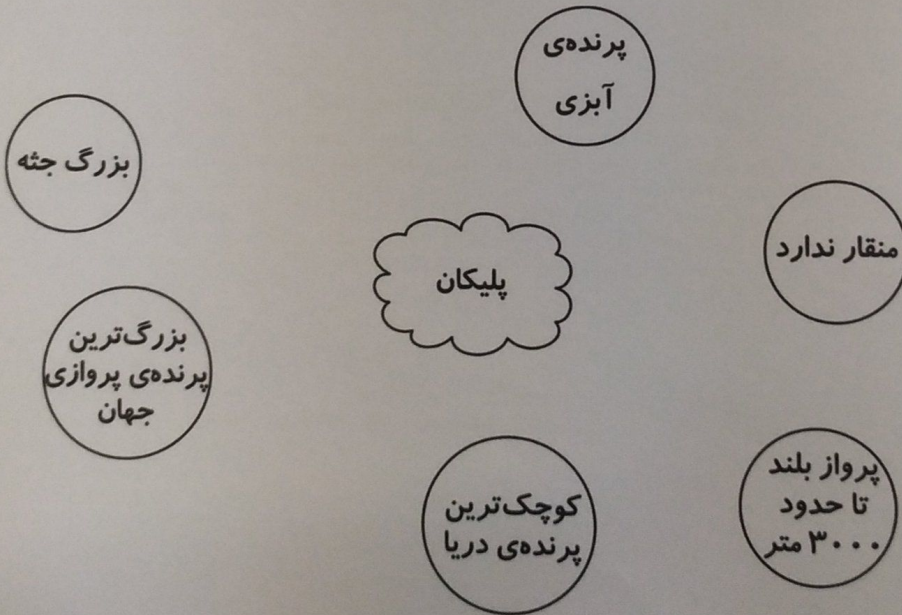
۱۹- موارد مرتبط را به هم وصل کنید.

- | | |
|--------------------------------|--|
| • (الف) ماهی، قورباغه، لاک پشت | • (۱) مناطق گرم و در نزدیکی رودخانه‌ها |
| • (ب) زمان پرواز بر فراز آسمان | • (۲) غذای پلیکان |
| • (پ) محل زندگی | • (۳) ۲۴ ساعت |
| • (ت) طول بال پلیکان | • (۴) ۳ متر |

۲۰- چرا پلیکان‌ها برای پرواز، بال‌های خود را بر روی سطح آب می‌زنند؟

۲۱- مرغ سقا قادر است روزانه تا حدود چه مقدار ماهی بخورد؟

۲۲- هر دایره که به پلیکان مربوط می‌شود به آن وصل کنید.



۲۳- اگر شما به جای پلیکان بودید در کیسه‌ی زیر منقار خود چه چیزی نگه می‌داشتید؟

.....

۲۴- چه عاملی سبب انقراض و کم شدن تعداد پلیکان‌ها در جهان می‌شود؟

.....

۲۵- وقایع را به ترتیب شماره گذاری کنید.

الف) هر دو پای خود را متحد می‌کنیم.

ب) در جای خود قرار می‌گیریم.

پ) بال‌ها را به سطح آب می‌زنیم.

ت) سرعت کافی برای پرواز ایجاد می‌کنیم.